

سنگلج و اهالی اش از دهه ۴۰ تا امروز

جایی برای نمایش ایرانی

تماشاخانه سنگلج (۲۵ شهرویر قدیم) در حال حاضر قدیمی‌ترین تماشاخانه دایر در تهران است که در محله قدیمی سنگلج و مقابل پارک بهشت قرار دارد. این تماشاخانه را می‌توان نخستین تماشاخانه‌ای دانست که در محله سنگلج ساخته شده و پذیرای اهالی این محله قدیمی تهران است؛ البته در سال‌های دور نیز تماشاخانه‌ای فصلی در چهارراه گلوندک وجود داشته اما تماشاخانه سنگلج در ادامه راه «تئاتر تهران» به‌عنوان تماشاخانه‌ای دائمی و البته با ویژگی اجرای نمایش‌های صرفاً ایرانی، پذیرای تماشاگران این هنر فاخر شده است.

■ احداث تماشاخانه

سال ۱۳۴۳ وقتی بعد از تأسیس وزارت فرهنگ و هنر، بتدریج فکر ساخت تماشاخانه‌ای به منظور اجرای آثار تولیدی هنرمندان کشور شکل گرفت که مختص به اجرای نمایش‌های ایرانی باشد. درخصوص خرید زمین این تماشاخانه دو روایت وجود دارد که روایت نخست حکایت از این دارد که وزارت فرهنگ و هنر وقت، این زمین را خریداری کرد و به ساخت این تماشاخانه اختصاص داد. روایت دوم هم نقل می‌کند که بانویی ارمنی، زمین این مکان را به وزارت فرهنگ و هنر هدیه کرده اما طبق بریده جرابیدی که از سال ۱۳۴۳ در دست است این تماشاخانه با هزینه آقای مهندس بابایان، مدیرعامل شرکت «به‌ساز نو»، با مسئولیت محدود و عضو سندیکای شرکت‌های ساختمانی به نشانی تهران کوچه صیاح به شماره ۴۶ و به شماره ثبت ۵۲۸۵ بنا شده و به وزارت فرهنگ و هنر اهدا شده است. زیربنای این تماشاخانه ۱۰۳۴ مترمربع است و آن زمان به نام «۲۵ شهرویر» نام‌گذاری شده است. کاشی‌های معرق سر در نمای بیرونی تماشاخانه هم به ابعاد سه در ۱۴ متر، توسط سیما کوبان طراحی و گروه کاشی‌سازی هنرهای زیبای کشور آنها را ساخته و نصب کرده‌اند.

■ افتتاح تماشاخانه وبرگزاری نخستین جشنواره نمایش‌های ایرانی

این تماشاخانه روز ۱۸ مهرماه ۱۳۴۴ خورشیدی، همزمان با برگزاری نخستین جشنواره «نمایش‌های ایرانی» افتتاح می‌شود و زمزمه‌های اختصاص این تماشاخانه به نمایش‌های ایرانی در نهایت به واقعیت تبدیل می‌شود. برنامه‌ریزی «نخستین جشنواره نمایش‌های ایرانی» به گونه‌ای صورت گرفته بود که هر یک از آثار نمایشی شرکت‌کننده در این جشنواره، به مدت یک یا دوشب اجرا شوند، اما این آثار تا اندازه‌ای قدرتمند اجرا شده بود که بین یک یا دومه اجرا برای آنها درنظر گرفته شده. در این جشنواره هفت اثر نمایشی اجرا شد که به ترتیب به این شرح هستند: «امیر ارسلان» نوشته پرویز کاردان به کارگردانی «علی نصیریان»، «چوب به دست‌های ورزیل» نوشته غلامحسین ساعدی (گوهر مراد)، به کارگردانی «جعفر والی»، «کالسکه طلایی» به نویسندگی و کارگردانی «خلیل موحد دیلمقانی»، «مجموعه نمایش‌های ایرانی» به کارگردانی «پرویز صیاد»، «بهترین بابای دنیا» به نویسندگی ساعدی و کارگردانی «عزت‌الله انتظامی»، «پهلوان اکبر می‌میرد» به نویسندگی بهرام بیضایی و کارگردانی «عباس جوانمرد»، «گوروش پسر ماندانا» به نویسندگی کورس سلخشورو کارگردانی «رکن الدین خسروی». بعد از اجرای اولین جشنواره «نمایش‌های ایرانی»، نمایش‌های «امیر ارسلان»، «پهلوان اکبر می‌میرد»، «بهترین بابای دنیا» اجراهای خود را در این تماشاخانه ادامه دادند. بلیت‌های آثار این جشنواره در مراکز فرهنگی مختلفی به فروش رسید. مراکز چون کتابفروشی امیرکبیر، فروشگاه فردوسی عرغه وزارت فرهنگ و هنر، مغازه گالو در خیابان استانبول، فروشگاه تهپوون در خیابان منوچهری، انجمن فیلم‌مونیک در چهارراه یوسف آباد، گیشه تماشاخانه و... قیمت بلیت این آثار ۴۰ و ۶۰ ریال بود و بهای سری بلیت برای هفت برنامه ۱۰۱ و ۳۵۰ ریال که برای فرهنگیان تخفیف پنجاه درصد درنظر گرفته شده بود. با کمی دقت بسادگی می‌توان به این مسأله پی برد که فراگیر بودن غرفه‌های فروش بلیت آثار نمایشی این جشنواره در سطح شهر و دسترسی آسان شهروندان برای خرید بلیت نمایش مورد نظرشان یکی از نقاط قوت این جشنواره و یکی از دلایل پر مخاطب بودن آنها نیز بوده است. نکته دیگر درخصوص «تماشاخانه سنگلج» اینکه این تماشاخانه به لحاظ تجهیزات فنی، نور، صدا و آکوستیک سالن اجرا، کاملاً استاندارد بوده و وجود امکانات صحنه‌ای همچون سن گردان، میله‌های بالا برنده پرده، دکور و... این تماشاخانه را از ویژگی خاصی برخوردار کرده بود.

■ **هنرمندان و اهالی سنگلج**
همزمان با آغاز به کار تماشاخانه سنگلج، گروه‌های نمایشی که در اداره هنرهای دراماتیک شکل گرفته بودند، امکان پیدا کردند آثار نمایشی خود را در این تماشاخانه روی صحنه ببرند. به این ترتیب، این گروه‌های نمایشی با فراغ بال و به صورت مداوم هر روز به تمرین نمایش‌های موردنظر خود در سالن تمرین ساختمان اداره هنرهای دراماتیک می‌پرداختند و در هر ماه یک اثر نمایشی برای اجرا در تماشاخانه سنگلج آماده می‌کردند. از جمله آنها می‌توان به گروه «هنر ملی» به سرپرستی عباس جوانمرد، «مردم» به سرپرستی علی نصیریان، «شهر» به سرپرستی جعفر والی، «امروز» به سرپرستی داوود رشیدی، «چوان» به سرپرستی اسماعیل شنگله و «میترا» به سرپرستی خلیل موحد دیلمقانی اشاره کرد. نویسندگان اغلب این آثار نمایشی عبارت بودند از: غلامحسین ساعدی (گوهر مراد)، اکبر رادی، بهرام بیضایی، بیژن مفید، محمود استادمحمد، بهمن فرسی و... بودند و درمیان کارگردان‌ها نام‌هایی چون عباس جوانمرد، علی نصیریان، عزت‌الله انتظامی، داوود رشیدی، رکن الدین خسروی، بهرام بیضایی و... به چشم می‌خورد. صحنه تماشاخانه سنگلج، چه در سال‌های آغازین فعالیتش و چه در سال‌های پس از انقلاب میزبان هنرمندان ممتاز و برجسته‌ای بوده که هر یک امروز از چهره‌های شاخص نویسندگی، کارگردانی و بازیگر تئاتر، تلویزیون و سینمای ایران به شمار می‌روند. افرادی چون: جمشید مشایخی، داوود رشیدی، محمدعلی کشاورز، عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان، جعفر والی، جمیله شیخی، مهین شهبانی، رقیه چهره آزاد، پرویز فنی زاده، محمود دولت‌آبادی، عنایت بخشی، اکبر زنجانیور، ایرج راد، محمد مطیع، ثریا قاسمی، بهمن مفید، اسماعیل داورفر، اسماعیل محرابی، سیاوش طهمورث، فردوس کلویانی، خسرو شکیبایی، پیدالله شیراندازی، بهزاد فرهانی، سوسن سلیمی، پرویز پرستویی، اکبر عبدی، حسن فتحی، هادی مرزبان، هما روستا، آریتا لاچینی، سیروس گرجستانی، علیرضا خمسه، داود فتحعلی بیگی، جواد انصافی، کتایون ریاحی، مجید مظفر، عبدالرضا اکبری، هدایت هاشمی و...

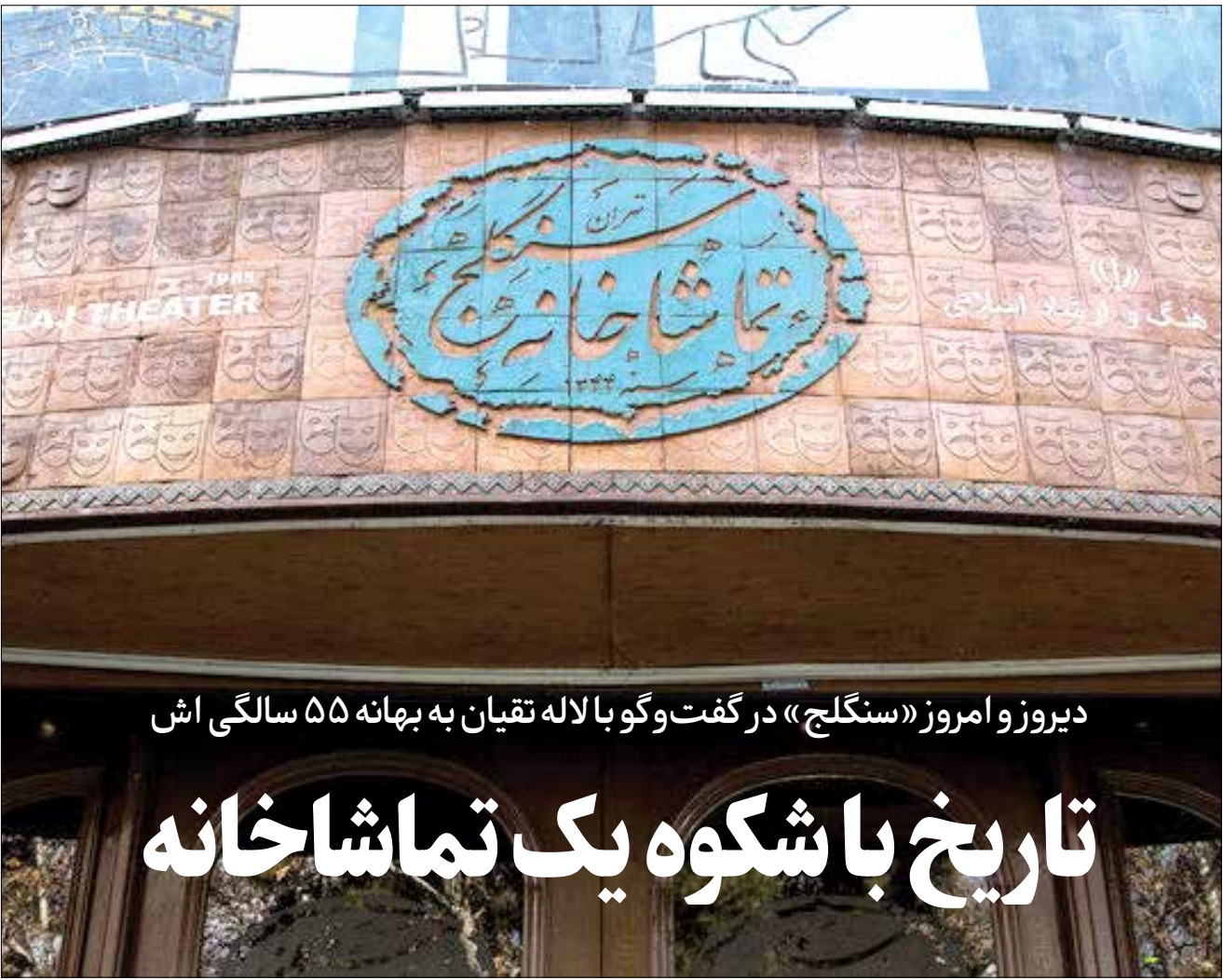
■ مدیران ادوار مختلف تماشاخانه سنگلج

حسینعلی طباطبایی نخستین مدیر تماشاخانه سنگلج بود. طباطبایی که از فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران بود و یک دوره آموزش کارگردانی در فرانسه گذرانده بود، ترجمه ۴ نمایشنامه فرانسوی را در کارنامه خود دارد که از جمله آنها می‌توان به مکتب بیوه‌ها اثر ژان کوکتو، خاموشی دریا اثر ژان برولر و بازی کشتار اثر اوزن یونسکو اشاره کرد. لازم به توضیح است که تماشاخانه سنگلج در سال‌های پیش از انقلاب دارای یک شورای هنری به نام شورای تئاتر متشکل از افراد متخصص و صاحب‌نامی چون عصمت ژاقتی، جلال ستاری، علی نصیریان، داوود رشیدی، عباس جوانمرد و عزت‌الله انتظامی بودند که بر نحوه تولید و ارزشیابی و نیز کار گروه‌ها نظارت کامل داشتند. از دیگر مدیران تماشاخانه سنگلج می‌توان به سعید بصیریان، مجید جعفری، علی حیدری، محمد صدیقی نژاد، جواد افشین نژاد، محسن اکبریان، کیوان نخعی، محمود فرهنگ، اتابک نادری، علیرضا مصلح تهرانی، سید یونس آپسلان و علی عابدی اشاره کرد. از این میان، اتابک نادری و پریسا مقتدی هر یک در دو دوره مدیریت تماشاخانه را برعهده داشته‌اند.

گنجینه امن خاطرات

پریسا مقتدی
مدیر تماشاخانه سنگلج

تماشاخانه سنگلج، گنجینه امن خاطرات پنج‌نسل از هنرمندان و تماشاگران تئاتر با به ۵۵ سالگی گذشت. خانه‌ای مصفا به عطر و یاد بزرگان این هنر والا که بانیان و صاحبان این خانه‌اند. چرا که رونق خانه از صفای میزبان است و میزبانان این خانه اگرچه در قید حیات نیستند اما روح بلندشان در فضای بی‌غبار این تماشاخانه تا همیشه زنده است و زندگی می‌کند. بزرگانی چون عزت‌الله انتظامی، محمدعلی کشاورز، جمشید مشایخی، داوود رشیدی، جعفر والی و... که هر یک در هنر و اخلاق و منش والا سرآمد نسل خود و الگوی نسل‌های آینده بودند. روح استاد عباس جوانمرد میهمان تازه این ضیافت است. چراغ تماشاخانه سنگلج امروز و بعد از ۵۵ سال کماکان روشن است و این درخت تنومند همچنان بارور و چه شور و شغفی از این بزرگ‌تر؟ در این خانه به انتظار آمدن روزهای بهتر یاز است به لطف آمدگان و رفتگانی که با هربار حضور در اینجا و نفس کشیدن در هوای آن، گرمابخش این خانه بوده‌اند. به امید و آرزوی تداوم این ماندگاری، گنجینه امن خاطرات، تولد ۵۵ سالگی ات مبارک.



دیروز و امروز «سنگلج» در گفت‌وگو با لاله تقیان به بهانه ۵۵ سالگی اش

تاریخ باشکوه یک تماشاخانه

محسن یونسینی
خبرنگار

لاله تقیان کارگردان و پژوهشگر ایرانی در رشته تعزیه و تئاتر است و او را به‌عنوان اولین ارائه‌دهنده طرح تهیه پرونده تعزیه برای یونسکو هم می‌شناسند. او از همان سال‌های آغاز به کار تماشاخانه سنگلج در این تماشاخانه حضور داشته و امروز نیز دغدغه تماشاخانه‌ای را دارد که به گفته خودش اولین تماشاخانه و سالن استاندارد تئاتر در ایران بوده است. تقیان که آثار بسیاری در حوزه پژوهش تعزیه و تئاتر نوشته در گفت‌وگو با «ایران» از دیروز و امروز تماشاخانه سنگلج می‌گوید.

■ **شما از چه زمانی کار در تماشاخانه سنگلج را تجربه کردید؟**

در اداره کار گروه‌های نمایشی وجود داشت و این گروه‌ها به نوبت در تماشاخانه سنگلج کار اجرا می‌کردند و من هم اولین تجربه‌ام را در این تماشاخانه زمانی روی صحنه بردم که با گروه علی نصیریان همکاری می‌کردم و همه آن زمان از احداث این سالن استقبال می‌کردند و خوشحال بودند که می‌توانند آثارشان را در این تماشاخانه روی صحنه ببرند چون سالن دیگری وجود نداشت.

■ دلیل این استقبال دقیقاً چه بود؟

دلیل استقبال از تماشاخانه توسط تئاتری‌ها و البته مردم را به دو نکته بسیار مهم می‌توان مربوط دانست. یکی اینکه سنگلج اولین و شاید آخرین سالنی بود که در ایران با استانداردهای کامل سالن تئاتر ساخته شد و از طرفی دیگر نیز وقتی تصمیم گرفتند این تماشاخانه مخصوص نمایش‌های ایرانی باشد هم

ارائه این آثار نمایشی که بستر مناسبی برای ارائه‌شان وجود ندارد. تا مدتی هم به این پیشنهاد عمل شد اما بعد از مدت کوتاهی دوباره رویه سابق را پیش گرفت و از اجرایی کردن این پیشنهاد هم غفلت نمایش درآمده در این تماشاخانه کمک کردند و امروز شاید با آنچه در گذشته به داشتنش افتخار می‌کردیم فاصله گرفته‌ایم و متأسفانه بیراه نیست اگر بگوییم سنگلج از دوران شکوهش فاصله بسیار دارد.

■ **سنگلجی که امروز می‌بینید با آنچه در دهه‌های گذشته وجود داشت چه فرق و فاصله‌هایی دارد؟**

متأسفانه سال‌هاست که خط و مشی مشخصی در تماشاخانه سنگلج در مقایسه با دهه‌های گذشته وجود ندارد. قبل از انقلاب تکلیف تماشاخانه مشخص بود و همان‌طور که گفتم گروه‌های مشخص تئاتری وجود داشتند که به نوبت همه آنها در این تماشاخانه نوبت اجرا می‌گرفتند و روی صحنه می‌رفتند از احداث این آثار استقبال بی‌نظیری می‌کردند؛ در واقع مشخص بود که قرار است این تماشاخانه چه مشی و روشی داشته باشد و به چه ستمی برود و از سوی دیگر هم، همین تکلیف روشن، باعث می‌شد مخاطب هم بداند کجا می‌رود و چه می‌خواهد ببیند. بعدها آنقدر مدیریت این تماشاخانه دست‌به‌دست شد که تکلیفش هم به نسبت همین تغییر و تحولات بسیار، از مسیری که قرار بود برود دور افتاد. یک دوره‌ای پیشنهاد دادیم که تماشاخانه به آثار هنری در قالب هنرهای سنتی اختصاص داده شود و محلی باشد برای



برای اول شدن، در حوزه‌ای مثل حوزه نمایش هم خیلی‌ها فقط رسیدن به مسند و صندلی برایشان مهم است و این موضوع واقعاً دردآور است.

■ **در این صورت اصول پذیرش یارد یک نمایش چه خواهد بود؟**

من هیچ وقت در شورای نظارت نبودم و اگر عقیده و نظری داشتم آن را به صورت مکتوب در محله نمایش منتشر می‌کردم و هیچ وقت خودم را در موقعیتی قرار ندادم که بگویم فلان کار اجرا شود و بهمان کار اجرا نشود. چیز خیلی عجیبی هم نیست. چون تئاتر معیارها و مؤلفه‌های مشخصی دارد و سلیقه و نظر شخصی در آن جایگاهی ندارد. این مؤلفه‌های تئاتری هم چیزی نیست که ما بخواهیم از خودمان دریابوریم، بلکه دهه‌هاست که به عنوان یک دوره آکادمیک در دانشگاه‌های سراسر جهان و البته ایران تدریس می‌شود و تنها نیاز است که در شاکله اجتماعی آن، یک مدیر لایق فرهنگی را در کنار خود داشته باشد تا هر تماشاخانه‌ای بتواند کارهای ماندگاری را در پرونده خود ثبت کند. اینکه مدیریت فرهنگی خوب است در یک نقطه و مسند ثابت باشد تا بتوانند برنامه‌های خود را طویل‌مدت پی‌ریزی کنند مسأله‌ای است که تماماً بستگی به خود مدیر دارد و ویژگی‌هایش. مثلاً بهروز غریب‌پور زمانی که مدیر فرهنگسرای بهمن بود واقعاً خدمات بسیار زیادی را ارائه کرد و باعث شد این فرهنگسرا، روزگار روشنی را سپری کند و آینده‌اش هم تا حدود زیادی تحت تأثیر همین دوره شکوفایی بود. اگر کسی مثل غریب‌پور داشته باشیم که یک مدیر فرهنگی است که هم مدیریت را خوب می‌شناسد و هم فرهنگ را، چرا نباید اجازه داد که کارش را به صورت مستمر انجام بدهد؛ پس همه موضوع بستگی به مدیر دارد و ظرفیت‌های مدیریتی و فرهنگی‌اش.

تماشاخانه سنگلج، میراث دیروز و قدرشناسی امروزی‌ها



داوود فتحعلی‌بیگی در حال عکس‌خوانی خاطرات سنگلج

سال‌ها با من و یارتم خاطره دارد و ما هم باتماشاگران خوب این مکان خاطرات خوب داریم و امیدوارم این تماشاخانه همیشه با برجا و ایستاده باشد و تئاتر ایرانی تئاتر ملی این مرز و بوم که همان سیاه بازی است جایگاهی داشته باشد.

و تالار فرهنگ اجرا می‌شد، کارهای بسیار زیبا و پر محتوا دیده‌ام همچون قلندر خونه و ماه پلنگ ایرج صغیری از بوشهر و نمایش‌هایی از شیراز، تبریز، گرگان و... که این تماشاخانه را همیشه پر تلاش و پر جنب‌وجوش می‌دیدیم. سنگلج

همان‌طور که تقریباً همه اهل تئاتر می‌دانند و می‌شناسند تماشاخانه سنگلج در محله‌ای قدیمی به همین نام واقع شده است. محله سنگلج از ضلع جنوبی پارک شهر خیابان بهشت تا بازار قوام‌الدوله و از غرب تا خیابان وحدت اسلامی و ۳۰ تیر و از شرق تا خیابان خيام امتداد دارد و برخی نام سنگلج را دگرگون شده «سنگ‌رج» دانسته‌اند که رج به معنی ردیف و اصطلاح سنگ‌رج مربوط به تقسیم آب با پاره‌های سنگ بوده است. در سنگلج نمایش‌های بسیار مهم و البته خاطره‌انگیزی اجرا رفته که حالا به بخشی از تاریخچه این تماشاخانه در یاد همه تئاتری‌های دیروزی باقی مانده که خیلی‌های آن را در دوران جوانی دیده‌ام. «میراث» و «ضیافت» بهرام بیضایی، «آی با کلاه، آی بی کلاه» و «دیکته» و «زاویه» نوشته‌های ساعدی و دو کار پربیننده «شهر قصه» سال ۱۳۴۶ که چندین ماه اجرا رفت و «بنگاه تئاترال» علی



جواد انصافی
کارگردان
و بازیگر تئاتر

از ضلع جنوبی پارک شهر خیابان بهشت تا بازار قوام‌الدوله و از غرب تا خیابان وحدت اسلامی و ۳۰ تیر و از شرق تا خیابان خيام امتداد دارد و برخی نام سنگلج را دگرگون شده «سنگ‌رج» دانسته‌اند که رج به معنی ردیف و اصطلاح سنگ‌رج مربوط به تقسیم آب با پاره‌های سنگ بوده است. در سنگلج نمایش‌های بسیار مهم و البته خاطره‌انگیزی اجرا رفته که حالا به بخشی از تاریخچه این تماشاخانه در یاد همه تئاتری‌های دیروزی باقی مانده که خیلی‌های آن را در دوران جوانی دیده‌ام. «میراث» و «ضیافت» بهرام بیضایی، «آی با کلاه، آی بی کلاه» و «دیکته» و «زاویه» نوشته‌های ساعدی و دو کار پربیننده «شهر قصه» سال ۱۳۴۶ که چندین ماه اجرا رفت و «بنگاه تئاترال» علی

سنگلج همچنین کارهای زیادی از داوود فتحعلی‌بیگی در فضای سیاه بازی و غیر سیاه‌بازی ایرانی به خود دیده است و نمایش‌های متعددی از چهره‌های درجه یک دیروزی و امروزی مثل مرحوم سعیدی انصار، مجید افشار، داوود داداشی، احمد علامه دهر، وحید شاهیانی، افشین هاشمی، هدایت هاشمی، داوود معینی‌کیا، هادی شیر محمدی، خدایار کاشانه، نسیم تاجیک، الهه پورجمشید، مهدی صفاری‌نژاد، علی فتحعلی، بهرام مسعودی، علی بدالهی و امیرحسین انصافی و امیدوارم باز هم جوان‌های بیشتری را به همراه آثارشان در این تماشاخانه ببینیم و تا سالیان سال، چراغ این تماشاخانه به لطف میراث دیروزی‌ها و قدرشناسی امروزی‌ها روشن بماند. از دیروزی‌ها چهره‌های برجسته، توانمند و پرکاری در سنگلج هنر آفرینی کرده‌اند که برخی از این بزرگان دیگر در میان ما نیستند اما سنگلج همچنان با یاد و خاطره آنها برای دوستان تئاتر ایرانی پابرجا ایستاده است.